

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین «سعیدی- سعید افغانی»
۱۵ اکتوبر ۲۰۱۶

تفسیر احمد- ۲۵

ترجمه و تفسیر سوره التکاثر- ۲

ترجمه و تفسیر :

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده مهربان

« أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ » (۱) (تفاخر و افزون طلبی به بیشتر داشتن شما را غافل داشت) یعنی: فزون طلبی در اموال و فرزندان، فخرورزی به بسیاری آنها و چشم و هم چشمی با یکدیگر در آنها، شما را از طاعت خداوند متعال و عمل برای آخرت غافل داشت و به خود گرفتار کرد.

ابن عباس و حسن بصری در تفسیر آیت : « أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ » می نویسند که : « تکاثر » از کثرت مشتق شده ، و به معنای جمع آوری مال و ثروت است .

در روایتی از حضرت ابن عباس (رض) آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم « أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ » را خواند و فرمود : هدف از آن ، این است که مال از راه نامشروع به دست آورد ، و فرایضی که از جانب الله بر مال عاید می گردد ، آنها را تءدیه ننمائی . (تفسیر قرطبی)

« حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ » (۱) تا آنجا که به زیارت قبرها رفتید (قبورمردگان خویش را برشمردید و به آن افتخار کردید!

(تفاخر به بیشتر داشتن شما را غافل داشت) یعنی: فزون طلبی در اموال و فرزندان، فخرورزی به بسیاری آنها و چشموهمچشمی با یکدیگر در آنها، شما را از طاعت خداوند متعال و عمل برای آخرت غافل داشت و به خود گرفتار کرد.

«تا کارتان به گورستان رسید» یعنی: به فزون طلبی و فخرورزی تا بدانجا ادامه دادید که به شما مرگ در رسید و بر این حال و منوال در گورها دفن شدید. یا تا بدانجا به فزون طلبی ادامه دادید که برای نشان دادن کثرت خود به قبرستان رفتید و به شمردن قبرها پرداختید.

در حدیث شریف آمده است: «یهرم ابن آدم، و یبقی معه اثنتان: الحرص و الأمل: فرزند آدم پیر می شود اما دو چیز همراه وی باقی می ماند: حرص و آرزوهای دورودراز».

باید دانست که در این هیچ جای شک نیست که : زیارت قبور از بهترین داروهای شفابخش برای سنگدلان می‌باشد زیرا این کار به‌یادآورنده مرگ و آخرت است از این رو علماء بر جواز زیارت قبور برای مردان اتفاق نظر دارند اما در جواز آن برای زنان اختلاف است؛ رفتن زنان جوان به آن حرام و رفتن زنان مسن مباح می‌باشد و اگر زنان جدا از مردان به زیارت قبور بروند، این کار برای همه آنها جایز است اما در صورتی که از آمیزش مردان و زنان فتنه‌ای روی می‌داد، زیارت آن برای زنان جواز ندارد.

اما در مورد رفتن زنان به قبرستان؛ اکثر علماء آن را جایز نمی‌دانند و به حدیث "لعن الله زائرات القبور" یعنی: (خداوند لعنت کرده است زنانی که زیارت قبور می‌کنند) استناد می‌کنند، ولی لفظ دیگری به صورت «لعن رسول الله صلی الله علیه وسلم زورات القبور» یعنی: (رسول الله صلی الله علیه وسلم (و خداوند) زنانی را که به کثرت به زیارت قبور می‌روند، نفرین کرده است). " است که در آن «زورات» صیغه مبالغه است یعنی زنانی که در رفتن به قبرستان زیادروی و مبالغه می‌کنند و دلالت بر کثرت دارد. بنابراین اگر زنان گهگاهی با رعایت حجاب و دوری از نوحه به قبرستان بروند و برای اهل آنجا دعا نمایند ایرادی ندارد.

پس زنان نباید رفت و آمد زیادی به قبرستان داشته باشند. زیرا تردد و رفت و آمد زیاد زنان به قبرستان، موجبات خلاف شریعت، مانند: نوحه: اظهار زینت و آرایش، و تفریحگاه قرار دادن قبرستان و تضييع وقت را فراهم می‌سازد. همانطور که این کارهای خلاف شرع در بسیاری از کشورهای اسلامی مشاهده می‌شود. البته باید در زیارت گورستان آداب شرعی رعایت شود؛ آداب زیارت این است که زایر بالای سر صاحب قبر رفته و بر وی سلام کند، سپس رو به‌سوی قبله نموده و برای او، برای خودش و برای تمام مسلمانان رحمت و مغفرت طلب نماید.

در حدیث شریف به روایت ابن‌مسعود(رض) آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «من قبلاً (نظر به مصلحتی) شما را از زیارت قبرها نهی کرده بودم اما اینک به شما اعلام می‌کنم که قبرها را زیارت کنید زیرا زیارت قبرها قلب را نرم و چشم را اشک‌بار گردانیده و آخرت را به‌یاد می‌آورد و در هنگام زیارت قبور سخنان پرت و پلا نگوئید».

این حدیث شریف دلیل بر آن است که چنانچه زیارت قبور با ارتکاب منکراتی - چون آمیزش زن و مرد، سر دادن نوحه و واویلا و امثال آن - همراه باشد، ممنوع است.

علماء گفته‌اند؛ سه چیز در مانگر قلب است:

۱ - طاعت خداوند.

۲ - بسیار یاد کردن مرگ که بر هم‌زننده لذتهاست.

۳ - زیارت قبور مردگان مسلمانان.

«كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ» (۳) چنین نیست که می‌پندارید، (آری) به زودی خواهید دانست!

« نه چنین است، به‌زودی خواهید دانست» این تنبیه و هشدار برای انسانها در مورد فزون‌طلبی آنهاست. یعنی: نباید گرد آوردن مال دنیا و فزون‌طلبی در آن را تمام هم‌وغم خود گردانند و باید به‌هوش باشند که به‌زودی فرجام فزون‌طلبی خود را در روز قیامت خواهند دانست.

« ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ» (۴) باز چنان نیست که شما می‌پندارید؛ بزودی خواهید دانست! «باز هم نه چنین است، زوداست که بدانید» این تکرار بر وجه تأکید و تغلیظ و تهدیدی بعد از تهدید دیگر است.

« كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ » (۵) چنان نیست که شما خیال می‌کنید؛ اگر شما علم الیقین (به آخرت) داشتید (افزون طلبی شما را از خدا غافل نمی‌کرد)؛ «هرگز چنین نیست، اگر بدانید به علم الیقین» یعنی: اگر به علم یقین مانند علمتان به قطعیات و یقینات دنیا بدانید که چه سرنوشتی در انتظار شماست و به کدامین جایگاه می‌روید، بی‌گمان این امر شما را از فزون‌طلبی و فخرفروشی باز می‌دارد و هرگز دنیا شما را از چنین کار بزرگی غافل نمی‌گرداند. علم یقینی علمی است که از اعتقاد و باور منطبق با واقع برخاسته و از مشاهده عینی، یا از دلیل قطعی ثابتی پدید آمده باشد که عقل صحیح، یا نقل ثابت از رسول اکرم ص، بر آن دلالت کند.

« لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ » (۶) «به یقین شما دوزخ را خواهید دید»

« ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ » (۷) (سپس (با ورود در آن) آن را به عین الیقین خواهید دید. «سپس آن را قطعاً به عین الیقین خواهید دید» یعنی: سپس دوزخ را به رؤیتی که عیناً خود یقین است با چشمانتان می‌بینید. به قولی دیگر: این خبری است در مورد دوام ماندگار بودنشان در دوزخ. یعنی: این رؤیت‌شان رؤیتی پیوسته، همیشگی و بی‌انقطاع است. این‌کثیر می‌گوید: «این آیت تفسیر تهدید یاد شده در آیت قبل، یعنی: «لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ است».

حضرت ابن عباس فرمود: هنگامی که حضرت موسی بر کوه طور تشریف داشت، و پشت او قوم او به گوساله پرستی اقدام نمود، خداوند در آنجا به او اطلاع داد که قوم شما در چنین مصیبتی گرفتار شده است، او آنقدر تحت تأثیر قرار نگرفت که بعد از برگشت و مشاهده قوم متأثر شد، و بی اختیار الواح تورات را به زمین گذاشت. (رواه احمد والطبرانی بسند صحیح)

« ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ » (۸) سپس در آن روز (همه شما) از نعمتهائی که داشته‌اید باز پرسى خواهید شد! «باز البته در آن روز از نعمت‌ها پرسیده خواهید شد»

یعنی: در موقف حساب از نعمت‌های دنیائی که شما را از کار کردن برای آخرت غافل گردانید، مورد پرسش قرار خواهید گرفت که آیا آن نعمت‌ها را با شکر دنبال کرده اید یا خیر.

به قولی دیگر: از آنان در مورد امنیت، سلامتی، فراغت، خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های لذت‌بخش، آب و نوشابه سرد، سایه سارهای منازل و غیر آن از نعمت‌های دنیا سؤال خواهد شد.

گفتنی است که احادیث وارد شده در این باب، مفید عام بودن این سؤال است. یعنی همه انسانها اعم از مؤمن و کافر مورد سؤال قرار می‌گیرند ولی سؤال کردن از کفار بر سبیل توبیخ است زیرا آنان شکر نعمت‌ها را فرو گذاشته‌اند و سؤال کردن از مؤمن از باب تشریف است؛ زیرا او نعمت‌ها را شکرگزارده است.

در حدیث شریف آمده است که عمر (رض) در مدینه از پیامبر صلی الله علیه وسلم سؤال کرد و گفت: یا رسول الله! ما از چه نعمتی مورد پرسش قرار می‌گیریم در حالی که از خانه‌ها و اموال مان بیرون رانده شده‌ایم؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«از سایه‌سارهای منازل و درختان و دیگر سایه‌بانهایی که شما را از گرما و سرما حفظ می‌کنند و از آب خنک در روز گرم».

همچنین در حدیث شریف به روایت ابن‌ابی‌شیبیه و احمد از محمود بن لبید آمده است که فرمود: «چون سوره تکوین نازل شد، رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را بر اصحاب تلاوت کردند و چون به آیت: «ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» رسیدند، اصحاب گفتند: یا رسول الله! از کدام نعمت‌ها مورد پرسش قرار می‌گیریم در حالی که همینک ما جز آب و خرما چیز دیگری در اختیار نداریم و در عین حال شمشیرهایمان بر گردن‌هایمان آویخته است و دشمن هم حاضر می‌باشد؟

آخر چه نعمتی داریم که از آن مورد پرسش قرار بگیریم؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: اما این پرسش يك حقیقت است و به واقعیت خواهد پیوست».

همچنین در حدیث شریف به روایت ابن عباس رضی الله عنهما آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «دو نعمت است که بسیاری از مردم در آن زیانکارند؛ سلامتی و فراغت» یعنی: بسیاری از مردم در شکر این دو نعمت مقصرند زیرا به تکلیف خود در قبال آنها عمل نمی‌کنند پس هر کس حقی را که بر ذمه وی واجب است اداء نکند، در حقیقت زیانکار می‌باشد.

همچنین در حدیث شریف به روایت ابی‌برزه (رض) آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لا تزول قدما العبد يوم القيامة حتي يسأل عن أربع: عن عمره فیم أفناه، وعن شبابه فیم أبلاه، وعن ماله من این اکتسبه و فیم أنفقه، وعن علمه ماذا عمل به: قدمه‌های بنده در روز قیامت دور نمی‌شود تا از چهار چیز مورد پرسش قرار نگیرد: از عمر خویش که در چه راهی آن را فنا کرده است، از جوانی خویش که در چه چیزی آن را فرسوده است، از مال و ثروت خویش که از کجا آن را به دست آورده و در کجا آن را خرج کرده است و از علم خویش که با آن چه عمل کرده است».

همچنین در حدیث شریف به روایت مسلم و اصحاب سنن از ابوهریره (رض) آمده است که فرمود: «رسول الله صلی الله علیه وسلم از خانه خود بیرون شدند و در این حال با ابوبکر و عمر رضی الله عنهما روبه رو گردیدند پس فرمودند: چه چیزی در این ساعت شما را از خانه‌هایتان بیرون آورد؟ آن دو گفتند: گرسنگی یا رسول الله! رسول مبارک صلی الله علیه وسلم فرمودند: سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، مرا نیز همان چیزی بیرون آورده که شما را بیرون آورده است. پس آن دو با رسول الله صلی الله علیه وسلم به راه افتاده و به در خانه مردی از انصار رفتند. از قضا که آن مرد در خانه‌اش نبود و چون زنش رسول الله را دید، گفت: خوش آمدید! رسول الله از وی پرسیدند: فلان (شوهرت) کجاست؟ زن گفت: رفته است که برای ما آب شیرین بیاورد. در این اثنا مرد انصاری از راه رسید و به رسول الله صلی الله علیه وسلم و دو یارشان نگاهی افکند و گفت: سپاس و ثنا خدای عزوجل را، امروز هیچ کس میهمانانی گرامی‌تر از من ندارد.

آن‌گاه رسول الله صلی الله علیه وسلم و یارانشان را به گرمی پذیرفت و خود رفت و خوشه‌ای خرما از نخلستان آورد که در آن خرمای غوره و رسیده هر دو موجود بود و ایشان را به خوردن از آن دعوت کرد. سپس کارد را گرفت. رسول الله به وی فرمودند: مبدا حیوان شیردهی را ذبح کنی! پس گوسفندی را برایشان ذبح کرد و از آن گوسفند و خرما خوردند و از آب شیرین هم نوشیدند و چون سیر و سیراب شدند، رسول الله خطاب به ابوبکر و عمر رضی الله عنهما فرمودند: سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، یقیناً در روز قیامت از این نعمت‌ها مورد پرسش قرار می‌گیرید».

پیام‌ها سوره کوثر :

- ۱- فزون طلبی و فخر فروشی انسان را به کارهای بیبوده و عبث می‌کشاند. «الهاکم التکاثر»
- ۲- فزون طلبی، عامل غفلت از حساب قیامت است. «الهاکم التکاثر - لتسئلن یومئذ عن النعیم»
- ۳- دامنه فزون طلبی تا شمارش مردگان پیش می‌رود. «حتی زرتم المقابر»
- ۴- بی‌خبری از احوال قیامت، انسان را به انحراف می‌کشاند. «الهاکم التکاثر... کلاً لو تعلمون»
- ۵- در برابر افکار و رفتار انحرافی باید هشدار را تکرار کرد. «کلاً - ثم کلاً - کلاً»
- ۶- از طریق ایمان و یقین انسان می‌تواند آینده را ببیند. «لو تعلمون علم یقین لترون الجحیم»

- ۷- در فرهنگ جاهلی، کمیت و جمعیت، تا آنجا ارزش دارد که حتی مردگان را در شمارش به حساب می‌آورند. «حتی زرم المقابر»
- ۸- تکاثر و تفاخر، کيفر سختی دارد. «الهاکم التکاثر... لترونّ الجحيم»
- ۹- عاقبت اندیشی مانع فخر فروشی است. «کلاً سوف تعلمون...»
- ۱۰- باید برای رسیدن به یقین و شناخت حقایق تلاش کرد تا از خطرات قیامت درامان بود. «لو تعلمون علم اليقين لترونّ الجحيم»
- ۱۱- کسانی که به دنیا سرگرم هستند، هرگز به درجه یقین نمی‌رسند. «لو تعلمون علم اليقين» (کلمه لو در موارد نشدنی به کار می‌رود.)
- ۱۲- ایمان و یقین، درجاتی دارد. «علم اليقين... عين اليقين»
- ۱۳- حساب قیامت بر اساس امکاناتی است که خداوند به هرکس داده است و لذا هر کس متفاوت از دیگری است. «لتسئلنّ يومئذ عن النعيم»
- ادامه دارد